تحلیل جامعه‌شناسی جنسیت در دانستان "نامه‌هایی به آقاغوله"

علي رضا اسلام زینب نوروزی
قاتمه نظری
دانشگاه برگرد

چکیده
هدف مقاله‌ی حاضر بررسی دانستان "نامه‌هایی به آقاغوله" اثر محدودگونگی مسیری از منظور جامعه‌شناسی با تکیه بر نظریه‌ی کشش متقابل نمادین است. روش استفاده شده در این پژوهش، روش تحلیل محتموا است. با توجه به نظریه‌ی جامعه‌شناسی انتخاب شده در چارچوب نظریه پژوهش مدل‌هایی، به منظور تحلیل و تبیین جنسیت و جامعه‌پذیری جنسیتی در این دانستان استخراج و تدوین نمودیم. این مؤلفه‌ها عبارتند از: "ویژگی‌های زیبایی"، "ویژگی‌های رفتاری"، "موقعیت‌ها و نماهایی". این بدان معنی است که جنسیت و جنسیتی بالاتری را می‌توان در ویژگی‌های زیبایی و رفتاری شخصیت‌ها و نیز موقعیت‌ها و نمادهای خلق شده و این اکسپرسیون یافته در این دانستان‌ها مورد کارش نظر دارد. بدین ترتیب مدل‌های جنسیتی همچون نتیجه‌ی معرفي نقش‌های زن و مرد، تکامل شخصیت‌ها با یکدیگر خلق موقعیت‌ها کاربرد می‌یابند و بنابر این مورد تحلیل قرار گرفته است. پانفکتای پژوهش نشان می‌دهد که دانستان فوق سربازی روی پژوهش‌هایی جنسیتی است که تبدیل از آنها در واقعیت اجتماعی خارج از دانستان به‌شکل تبعیض آمیز روال دارد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات کودکان، جامعه‌پذیری جنسیتی، جامعه‌شناسی ادبیات، جنسیت

نظریه‌ی کشش متقابل نمادین.

alirezaeslam@gmail.com
استادیار جامعه‌شناسی

fatemenazar64@yahoo.com
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

zeynabnowruzii@yahoo.com
استادیار زبان و ادبیات فارسی

مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز
سال چهارم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۹۲ (پیاپی ۷)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۶/۲۲
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۶/۱۲
1. مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و حیات فردی او از سیاست‌های جهاد به جامعه وابسته است. این مسئله بدن معنی است که زندگی افرادی برای یک تجربی ناپذیر است. روابط اجتماعی فرد، از همان بدو تولد با خاوی ادام می‌شود و به‌دردی با گروه‌های بزرگتر و وظیفه ادامه می‌یابد. شباهت برقراری این روابط بسیار بی‌چیده و ظرفیت است و بدن آشنا با دیگر و مستمر با ارزش‌ها و هنر می‌تواند بر بدن اجتماعی شند. با جامعه‌پذیری، گفتگوی انسان می‌شود، امکان‌پذیر نخواهد بود. اجتماعی شدن انسان ایجاد می‌کند که به این کودک ناوان به‌دردی به شخصی اگاه، دانو و ویژه در شیوه‌های فرهنگی که در آن منفرد گردیده است، تبدیل می‌شود. (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۸۶).

معمار، هنرها و ارزش‌های اجتماعی از راه فرامین اجتماعی شدن به کودک

انسانی انتقال می‌پذیرد و در این میان مسئله جنسیت و تفاوت‌های جنسیتی از جمله مهم‌ترین مفاهیم اجتماعی است که از راه همین فرامین وارد ذهن می‌شود و مبتکر هویت، اما نشان می‌دهد. در اینجا باید از نظر مقیاس، بین «جنس» و «جنسیت» نمایه قبل شد. زیرا آنچه در این تحقیق مورد بررسی و تجربه و تحلیل قرار می‌گیرد مفهوم اخیر است. از نظر جامعه‌شناسی، «اصطلاح جنس بر تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد قابل توجه دارد. حال آنکه جنسیت نظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه آن‌ها تعیین می‌کند و با مرد یا زن بودن و به اصطلاح مردانگی و زنانگی همراه است، (گرر، ۹/۱۳۸۰). بر این اساس، می‌توان «جامعه‌پذیری جنسیتی» را فرامینی اطلاق نمود که افراد از طریق آن، صفات و ویژگی‌های جنسیتی شده را گرفته و خود را درک می‌کنند. علاوه بر مورد از راه جامعه‌پذیری یاد می‌گیرند که جامعه‌ای آن‌ها از مردان یا زنان خاصی انتظار دارند. (سیریو و ایمانی، ۱۳۸۵: ۲۴۳).

عوامل اجتماعی عمدخوانی که وظیفه مهم جامعه‌پذیری جنسیتی افراد را به‌معنی دارند، چه به‌لحاظ نوع و چه به‌لحاظ میزان آن‌ها، در جوامع مختلف و در دورتهای زمانی گوناگون، متفاوت است. در حالی، این عوامل اجتماعی عمدخوانی که امروره‌
نتایج جامعه‌شناسی جنسیت در داستان «نامه‌های به آقایونه»

تقریباً در همه جوامع، در این‌درازکار، جامعه‌پذیری هستند. شامل نهاد خانواده، نهاد آموزش، رسانه‌های همگانی، و گروه‌های همسان می‌شود که هر کدام به شیوه‌های مختلف و با سازوکارهای ویژهی خود، این وظایف را به اجرای می‌گذارند.

از جمله مهم‌ترین ویژگی کتاب‌های داستانی، آموزش غیرمستقیم آن‌هاست.

این گونه کتاب‌ها، با ارائه‌ی نقش‌های گوناگون در قالب قصه، گروه‌های فانتزی هر جنس را آموزش می‌دهند؛ از این رو، شیوه‌ی معرفی و پردازش نقش زنان و مردان در آنها اهمیت خاصی دارد. کودکان از طریق مطالعه‌ی این کتاب‌ها، می‌آموزد چه اعمالی مردان و یا زنانه‌ای است و یا به‌عنوان یک زن یا مرد چگونه باید نقش خود را در جامعه ایفا کند. همچنین، قصه و داستان، این امپاز را دارد که قدرت تخلی کودکان و نوجوانان را افزایش داده و در نتیجه، خلاقیت و توانایی را در آنان شکوفا نموده و آنان را به‌سال‌های ابتدایی مناسب باین ویژگی‌ها آماده می‌سازد (مخصوصی، ۱۳۸۷: ۲۲-۲۳).

از سوی دیگر، «داستان بارزناه واقعیت اجتماعی است و ساختاری است که در موازات ساختارهای اجتماعی غیر عصری مشابه با آن به حیات و حرکت خود ادامه می‌دهد» (فتوحی، ۱۳۸۰: ۴). بر اساس این، داستان، حامل و ناقل گروه‌های دهشتی شخصی نویسنده و جامعه‌ای است که در آن برورش یافته است. نویسنده می‌تواند به‌سیله‌ی این ابزار قدرتگذار ساختار دهشتی کودک را به ساخت‌های جنسیت‌یافته متمایل کند. همچنین، اگر می‌توانند به‌طور خلاقانه و استعداد خود از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های زبانی در قالب گروه‌های جنسیتی استفاده کنند، به ارائه‌ی رفتار اشاره‌ای نماده‌ای، تصور و ویژگی‌های هر جنس را از دیدگاه خود بدانند. بنابراین، تحقیق در کتاب‌های داستانی کودکان با بازشناختی گروه‌های جنسیتی به‌جام و یا تبعیض آموزش آنها، می‌تواند هم نویسنده‌ها و کارشناسان ادبیات کودکان و هم والدین و مربیان را نسبت به ظرفیت‌ها و حساسیت‌های امر آموزش آگاهانه سازد. بدین منظور، این پژوهش می‌کوشد تا مدل‌های و شاخص‌های جنسیتی را بر اساس نظریه‌ی چک متقابلی نمایند. در داستان‌های این بازخوانی به آگاهانه اثر محمدی‌فر بی‌فصلی، جستجو و نموشویی و سپس بر اساس این مدل‌های سوگندری هن و جنسیتی موجود در آن‌ها نشان دهد. با توجه به این هدف، پرسش‌های زیر بررسی می‌شود:

1. نقش‌های جنسیتی چگونه از راه ویژگی‌های زبانی و گروه‌های رفتاری و موقعیت‌های شکل‌گیری در داستان تبلور یافته‌اند؟
13. آیا نقش‌های جنسیتی موجود در داستان تبعیض‌آمیز است؟

2. مبانی نظری پژوهش

1-2. چارچوب نظری

نظریه‌ی کنش منقابل نمادین، 1 که از سوی جرج هربرت مید (1863-1931) در جامعه‌شناسی آمریکایی مطرح شد، چارچوبی نظری است که جامعه‌را که محصول کنش منقابل افراد و گروه‌های جامعه می‌داند. بر پایهای این چارچوب، افراد یا گروه‌های خود در در ارتباط با یکدیگر فرض می‌شوند (عصبانیت ویکلای، 1387: 510). منظور از کنش منقابل آن است که افراد در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند و موجب ساختن عمل‌هایی مهم می‌شوند به‌شکل دوسویه و در جریان زمان و در موقعیت‌های گوناگون مورد توجه قرار می‌گیرد.

در این نظریه زبان، مبانی کنش اجتماعی است که می‌تواند از بزرگ مهیم برای نشان دادن نگردها و گرایش‌های جنسیتی شخصیت‌های داستان در تعاملات میان آنها باشد. مید یزدان را مبانی کنش منقابل اجتماعی و حرکات و اشیاء از جمله زبان می‌دانست. وی نظریه‌ی خود را بر سه جزء، «خون»، «خون» و «جامعه» استوار نمود و در کتاب معرفی منطبقه‌ای به توضیح و تحلیل هر یک از این سه جزء و چگونگی ارتباط آنها با کنش منقابل نمادین در اجتماع پرداخت.

رفتار و موقعیت نیز از دیگر مؤلفه‌های مورد توجه در کنش منقابل نمادین به‌شمار می‌رود. موقعیت‌هایی که می‌تواند از جنس زن و مرد داستان در آن قرار گیرد. و بر اساس آن رفتار می‌کنند می‌تواند از بسیاری جهات تعیین کندند. سوگریه‌های جنسیتی باشد.

نماهایی به تفسیر رفتار افراد یک جامعه از سوی کنش گروه همنجنسی شکل داده می‌شود. این نماهایی است که در داستان به‌کار گرفته می‌شود و می‌تواند به‌وسیله شرکت‌کنندگان باشد که به

1 Symbolic Interaction Theory.
2 Georg Herbert Mead.
3 Mind, Self & Society.
در این داستان «جنسیت و جنسیت‌یافته‌گی» را بر اساس مفاهیم مورد تأکید در نظر گرفته، از نگاه قانونی، ثبت حاصل کردن و سپس در نامه‌ها و مناسک بارداری آن‌ها در این تحلیل کرد. در تحقق حاضر، مصداق جنسیتی بر اساس همین مقوله‌ها در متن داستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- پریسی یوزهش

بررسی جامعه‌شناسی جنسیت در ادبیات کودک، پیده‌هایی نسبت به نا‌توانسته انس. در این جوزه، یوزهش‌ها یکی از صورت اطراف که به بررسی رخ می‌دهند مقوله‌های جامعه‌شناسی مانند جنسیت و نقش‌های جنسیتی، بارداری و بازنشستگی کلیه‌های جنسیتی، نقش‌ها و پایگاه‌ها اجتماعی زنان و مردان و مانند آن‌ها در کتاب‌های کودکان پرداخته است.

- مانند:

- بوزگیو و ذکارت (1389) به بررسی نقش‌های جنسیتی در داستان خاله سوسکه بازنوشته‌ای بردخواسته.
- ولی زاده (1387) به بررسی نقش زنان در باین‌توئید ابتدولوژی جنسیتی مسلط با ارائه نقش‌ها و الهام‌های جدید جنسیت زنانه پرداخته است.
- مفیدی (1384) بارداری جنسیت را در نمايشنامه‌ای احمد پریز برای عشق اثر سمولی شیاره بر اساس «نظریه کنشی متفاوت» بررسی کرده است.
- باکروعش (1383) به بررسی نگرش حاکم بر رمان‌های منتخب زنان نسبت به هریت زنان بعد از دهه‌های هفتاد پرداخته است.

1 Robertson.
- مک کیب (2011) به بررسی نقش جنسیت در عدالتی شاهزاده منتقد شد. در اعتیادهای کودکان برداشته شد.
- هارتمان (1379) به بررسی جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تاثیر پاداش بر کودکان برگردید. کودکان و نوجوانان در آن‌های 1379 و آن‌های 1392 بین سال‌های 1973 و 1994 به ترتیب به مدت 20 سال با گرفته شدند.

است. پژوهش‌های فوق هرکدام از منظوری جامعه‌شناسی به بررسی و نقد آثار ادبی و تبلور جنسیت در آن‌ها برداشته‌اند. هر کدام از این پژوهش‌ها از نظر جامعه‌شناسی مورد بررسی و روش پژوهش‌ها یا پژوهش‌ها یا کارشناسان مثال‌بندی متفاوتاند. مثال‌بندی این کار به امر وعده پژوهش‌های علمی انسانی مورد توجه فرمانه است مبین نظری یک پژوهش است. انتخاب یک چارچوب نظری خاص در یک پژوهش، سبب می‌گردد که شواهد و مصادعی که پژوهش گر در تجربه و جمع‌آوری مورد مطالعه خود آنها را جستجو و ارائه می‌کند. می‌تواند و موجه گردید در میان پژوهش‌هایی که ذکر شد هارتمان در پژوهش خود بر یک چارچوب نظری مستحکم و یا انتخاب یک نظریه خاص نکته نکرده است.

وی در تحلیل افکارهای‌ها به نظریه‌های پراکنده و با توجه به متمایز و روان‌شناسی و جامعه‌شناسی برداخته است؛ البته نمی‌توان ارزش‌های این پژوهش را نادیده اگزه‌گزاران، اما هم‌نظرذی که گفته شد انتخاب چارچوب نظری یک پژوهش را استوارتر و قابل استفاده می‌کند.

3. روش پژوهش

این پژوهش از نوع «کاربردی» است و به‌وسیله تحلیل محتوای انجام شده است. تحلیل محتوایی به‌عنوان یکی از منابع گوناگون روش‌های تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی، خود به‌وسیله کلی که در کیفی و کیفی تفسیر می‌شود که تحقیق حاضر از نوع کیفی است. این این در تحلیل محتوای کیفی اهمیت بی‌نظیر دارد. تغییر یک چارچوب نظری است که بر اساس آن محقق اهداف، فرضیه‌ها با سوال‌ها، متغیرها با مقوله‌های تحقیق خود را مشخص می‌نموده و آن‌گاه در صدد روشن بررسی آید که با تحلیل داده‌های مناسب باشد (فریبیپور، 1382: 19). ماهیت تحلیل محتوای کیفی به‌ویژه است که فرمولی خاص و یا

1 Janice Mccabe
2 Valtrut Hartman
دستورالعملی صحیح برای تحلیل داده‌ها ندارد و محقق خود با یاد روش تحلیل داده‌ها را ایجاد کند. به‌همین دلیل، تحلیل داده‌ها دشوارترین بخش تحلیل محتوای کیفی است. به عقیده‌ی برخی از صاحب‌نظران، فرآیند تحلیل محتوای کیفی داده‌ها نوعی ترکیب تحلیلی پیچیده و چندوجهی است که مستلزم خلاصه و بررسی گر است. این فرایند، ترکیبی از استندال استفری، تأمل، و نظیره‌برداری است (رضوی، 1389: 148).

این دشواری، نه تنها در تحلیل داده‌ها بلهکه در تعیین جامعه‌ی آماری، نمونه‌ی آماری، واحد تحلیل و نظارت آن نیز خود را نشان می‌دهد. از آنجا که هر تحقیق مبتنی بر تحلیل محتوایی، به‌ویژه از نوع کیفی آن، پژوهشی ناخواسته و منحصر به فرد است، تعیین و تشخیص برخی از معمای و استانداردهای پژوهش با مشکل مواجه می‌شود. به عنوان مثال، تحقیق حاضر، نه دارای جامعه و نمونه‌ی آماری است، زیرا انتخاب یک کتاب و آن‌ها به‌تاممی، مورد تحلیل قرار می‌گیرند، و به‌دیکته‌ای دارای واحد تحلیل از نوع متغیر آن است، زیرا واژگان، عبارات، ترکیبات، جملات، نسخه‌ها و علائم اهمیت در جای خود تحلیل شده‌اند.

با وجود همه‌ی این دشواری‌ها، تحلیل محتوای کیفی دارای حاضری است که آن را از تحلیل محتوای کیفی مبتنی و حتی معنی‌مند می‌سازد و آن‌ها انتخاب این روش به چارچوب نظری است که کلی فرآیند تحلیل را در یک راستا هدایت می‌کند. اگر در تحلیل محتوای کیفی، چارچوب نظری درست و دقیق و مناسب انتخاب شود و مقولات استخراج شده از آن دارای جامعیت و مانعیت باشد، نتایج به‌دست‌آمده از انتخاب و استحکام بالایی بررسی‌های خودآمیخته می‌شود. در تحقیق حاضر نیز کوشش شده متن مورد نظر بر اساس مقولات مستخرک از چارچوب نظری تجزیه و تحلیل شود.

از سوی دیگر، نظیره‌ی کنش متقابل تبدیل، 1 که به‌عنوان چارچوب نظری این پژوهش انتخاب شده، در جوهری پارادایم تفسیری؛ قرار دارد و از همین روی، متوان و داده‌هایی که بر اساس این نظریه تجزیه و تحلیل می‌شود، قابل کشفی سازی نیستند. در واقع، نظیره‌برداران این حوزه، به‌دلیل انتقاد‌هایی که به‌جامعه‌شناختی کمی گردا گسته‌اند، به‌تدریج این نظریه پدیده‌نامه‌بری می‌شود، به‌ویژه در مورد پژوهش‌هایی که از نظیره‌برداران جرسته‌ای این حوزه به‌شمار می‌رود، نقش مفاهیم در تحقیقات اجتماعی را بسیار شدیداً

1 Symbolic Interaction Theory.
2 Interpretive Paradigme.
3 Herbert Blumer
انعقاد کرده و به چال آن از مفاهیم حساس کننده ای سخن می‌گویم. به عقیده بولمر، جامعه‌شناسی پوزیتیوئسی، مفاهیم را از واقعیت اجتماعی در حال تحول جداساختن، آنها را به شکلی متجسم و مرده به کار می‌گیرد؛ در حالی که مفاهیم باید به صورت زندگی باشند با فرهنگ، ساخت اجتماعی و به‌دستهای متغیر مرتبط باشد (توسینی، ۱۳۷۴: ۲۲۱). این مفاهیم نوع اخیر، همان مفاهیم حساس کننده‌ای که ایده‌هایی را شامل می‌شود که به شکل انترسایزی به ذهن محقق مرسد و او را در تحلیل واقعیت‌های اجتماعی حساس می‌سازد (ریترز، ۱۳۷۴: ۳۲۳). یک اگر مطلب با دانش و ازوهای بلومر سخن بگویم، مقولات استخراج شده از نظریه‌ی کنش متقابل نمادین، مفاهیم حساس کننده‌ای هستند که به محققین امکان‌داده متنهای داستان را تجزیه و تحلیل کنند. درواقع، امتیاز این مفاهیم برای این تحقیق در آن است که با پشتونهای بزرگ واقعیت متنهای داستان تفسیر شده است. این فراورند، که به شکل رفت و برگشت از نظریه به متنهای بی‌الکس صورت گرفته است، می‌تواند به تحقیق خصوصی زندگی و پویا بی‌خشم.

۴. تجزیه و تحلیل داستان

۴-۱. خلاصه داستان

سارا دختری است که شیبی‌ها دچار کابوس می‌شود، در خواب‌های تیره و رختخوابش را خیس می‌کند. برادرش، جوان، اولو را کندی می‌زند و سپس ادایش می‌کند. سارا تصمیم می‌گیرد به غولی که در کابوس‌هایش شبانه‌های حاضر می‌شود نامه نوسیده تا گول با خواندن آن نامه‌ها آن امید به خواب وی منصرف شود. برای این کار، او حتی زبان غولی را هم اختراع می‌کند و با آن زبان نامه می‌نویسد. سارا، با نام‌هایی پیامدر که به آقای‌نامه می‌نویسد، سراینج موفق می‌شود و غول را دیگر در کابوس‌های خود نمی‌بیند. او، خوشحال از این موفقیت، تصمیم می‌گیرد با نوشتن نامه‌هایی به برادرش، این را نیز از سر خود کنند.

۱ Sensitizing Concepts.
۲ George Ritzer
در جامعه‌ی سنتی ایرانی، پررنگ، از موقعیت مطلوب تری برخوردار بوده‌اند، حال آن‌که دختران، به‌خاطر جنسیت‌شان محروم به تحمل شرایط تحملی جامعه‌ای بوده‌اند (پاک‌نها‌ز جیروئی، 1381-1381). این نابرابری‌ها در موقعیت‌های فردی، آزادی و فردیت، باعث پدیده‌ای آمدند تفاوت‌هایی در هم‌یاره، و هم‌ارزی و اجتماعی از جمله از استفاده‌های زبان به‌وسیله هر یک از دو جنس‌شده است. امروزه نیز هنوز رفتار‌های ارزش‌های سنتی به شدت و ضعف‌های گوناگون به حیات خود ادامه می‌دهند. این روش‌ها که این نگرش‌ها هنوز در زبان زبان‌های دوره‌دار است و در قصه‌ها و داستان‌ها نیز به گونه‌های مختلف در کلام شخصیت‌ها و با ویژگی‌های زبانی گوناگون خود را نشان می‌دهد.

در این داستان، زبان کاریکاتوری دارد که تقریباً مناسب با سن و سال و انتخاب شده است. زبان سارا، کودک‌ها و ساده است؛ با همبستگی صراحت، لطافت و اندکیت زبان‌های کاریکاتوری که در فیلم‌های مختلف به کار رفته‌اند، جملات کوتاه، افکار ساده و لحن کودکانه است. از خلاصه‌ی جملات کودکانه، که در واقع نفیس است، به‌طور دوخته و افتکار و ترس همیا می‌شود. این ترس در کلام سارا خود را در قالب تکرار جملات کوتاه و مفاهیم بیان کننده ترس آشکار می‌کند. در ضمن دیالوک (ویا در واقع مولفه‌ی افول) با آقای‌ها، پس از گفتن حرف‌های خود، واکنش آقای‌ها را هم پیشی‌بینی کرده و پاسخ‌یهای واکنش خیالی آقای‌ها در نظر می‌گیرد.

در خیال می‌کنم که اواکان به زبان گولی می‌گویند، معمولاً خدا‌خواهی را می‌دهند. برای همین اگر

آخرین نام‌هایم می‌توانم اواکان اواکان منظورم را بفهمم. راستی آقای‌ها راسته را بگویم، تو کی

می‌بری؟ یا شاید به خواست آمدی و به انداده‌ی یک دیگر مرا ترساندی؟ آقای‌ها جان نه غوله

بگو غوله برای این درست شده‌اند نا بچه‌ها نا بچه‌ها را پدرساند؟ (بی‌درهای 1381: 8). این هفته
جمارمیت امانی از تاریخ نویسی، حتی می‌توانم چرا؟ همچنان تصور می‌نمایم و آن چیزی که گوییم، واقعاً این است. از سوی می‌توان انتظار داشت که وقتی هر چیزی که زیر می‌گذاریم، به چیزی که می‌گوییم، می‌خواهد. ۱۶

امیدهایم بیشتری با خواندن می‌توانم یادآوری از زبان باشد، و منظور

اجتمایی افراد، به‌طور مثال. فوکو، در مطالعات انسان‌شناسی خود، مطرح کرد که

میان استفاده از زبان و قدرت نوعی همبستگی وجود دارد. به هر گونه‌ای که زبان برای

قدرت‌مندان و صاحبان امتیاز جدی‌تری ابرازی دارد (فوکو، ۱۳۷۸: ۳۳). نیز

توجه خود را بر تحلیل زبان‌پرای دریافت اندیشه‌هاي معطوف می‌سازد که در ورای

زبان وجود دارد و ساختار روابط انسانی را شکل می‌دهند (فوکو، ۱۳۷۹: ۹۶).

ویلام‌بی‌من که در زبان، منطق و قدرت در ایران به برگرفت شده می‌باشد در

استفاده از زبان در بین افراد با منزله‌های بالا و پایین پرداخته است. به عقیده او، در

ایران، روابط افراد با یکدیگر با بر معنا سلسله مراتبی از روابط ناراببر یا با مشاه،

یک رشته از روابط برابر استوار است. اما روابط راببر را روابطی می‌داند که بین افرادی

که خود را برای می‌پندارند شکل می‌گیرد، این روابط سطحی است و از نظر تجریه‌ی

زنده و مشترکات زیادی دارد. همچنین، از این روابط، و آزادگان پیکانی به کار گرفته

شده و از کلمات نام‌های و با ادبی اضافه می‌شود. این در حالی است که در روابط

ناراببر از فرد فردست انتظار می‌رود رفتارش نسبت به فرد فردست به شکل مؤدبان و

فرودن‌ها را می‌پذیرد. در این گونه روابط، شبیه‌ندی انتخاب و انتخاب در خطای فردست

و فردست منفی است (به‌من: ۱۳۸۱: ۱۴۲). از نظر نگاه‌های شاخص، این منفیت در

استفاده از زبان، به‌معنای تاشی از قرار داشتن یا قرار دادن خود در موقعیت

فردست‌یا فردستی به وجود می‌آید. جنگ‌ها پیش‌تر اشاره‌شده در لایه‌های زیرین

جامعه‌ای ایرانی زنان هنوز از موقعیت و منطقی‌پایین‌تر نسبت به مردان بروخوردارند.

در این داستان نیز می‌توان سارا را به عنوان فردی فردست در نظر گرفت. برای

نشان دادن این موضوع، به بررسی برخی از ویژگی‌هایی که از زبان سارا در داستان

انعکاس یافته است می‌پردازیم.

---

1 Michel Foucault
2 Norman Frklaf
3 William Beeman
سازمان، در تمام داستان، غول را به نام رسمی آقایولو مورد خطاب قرار می‌دهد و یا درباری یا صحبت می‌کند؛ درست مانند مورد خطاب قرار دادن یک فرد درست توسط یک فرد درست. این ادعا را نهار سازمان نمی‌آورد.

- قسمت خوردن و قسمت گذاری: یکی از راه‌های مقایسه کردن طرف مقابل برای پذیرش سخنان گوینده است. این رفتار زبانی نیز در روابط نابینای خود را نشان می‌دهد و شباهت شهادت‌گویی‌ها به است در یک دیگر با پاسخ مثبت به درخواست‌های فرد درست از فرد درست، سازمان به عنوان یک فرد درست درست، با توجه به آگاهی که نسبت به فرد درستی خود دارد، برای اثبات سخنان‌اش به قسمت خوردن و یا قسمت دادن مسئولیت می‌شود: آقایولو، جان نهمولو دروغ نگو (پوستی، 1389: 8). «تو را به خدا و وقتی به خواب می‌آیی آن گذانهای تمیز و دراز و را به اولین نیاور» (همان: 13)!

- سؤال کوتاه، پیدریپ و بدون انتظار پاسخ، یکی دیگر از ویژگی‌های زبانی سازمان است. وی می‌داند که چون در مقام پایین‌تری نسبت به غول و نیز برادر خود قرار برام، انتظار زیادی هم برای گرفتن پاسخ ناباید باشد؛ بنابراین، به‌طور شتاب‌زده فقط به‌سرپرست سؤال‌ها و اهمیت‌های ذهنی خود، می‌پردازد بدون آنکه امیدی به گرفتن جواب آن‌ها داشته باشد: «دائیگر چیزی بگویم چگونه می‌کنی؟ شب و روز به سراغ می‌آی و به اندازه مهی غول‌ها عالم مرا می‌ترسانی؟ مرا می‌دزدی و به نه غارها می‌بری؟» (همان: 11). آخر من واسه چی عروس تو بشوم؟ ما به کجا می‌خواهم بیرزی؟ توی غارها و سیاه‌های و توی زمین؟ موس که همه کامیانش زیر زمین و توی تاریکی هاست حاضر نیست عروس تو بشوم، حالا من چه کسانی کردما؟» (همان: 35).

- به اعتقاد ثانی یکنون برای ایجاد ارتباط بی‌شناس و افترا و افزایش نتایج، در صحیح شرکت می‌کند (پیام به دادگستری، 1381: 20). استفاده از جملات پرسشی تأکیدی، خود شیوه‌ای است برای ایجاد ارتباط بی‌شناس و وادار ساختن مخاطب به ادامه گفت و گوی. با توجه به این که ارتباط و مکالمه‌های سازمان یک گفت و گوی است، این بی‌شناسی نیز می‌تواند آقایولو را به گفت و گو با خود ترغیب کند: «فاکر من کی بچه‌گویی سواد ندارند، چون مدرسه‌های غول‌ها که ندارند، (درام، ص 15)، تو تا کی می‌خواهی به خواب می‌نیایی و مرا بترسانی؟» (همان: 17).

1 Tannen.
- یک مشاهده می‌شود که در زبان زنان به‌طور مشابه، می‌شود (هداشت، ۱۳۸۴: ۲۲). در گفتگوی سارا با نوعی تکرار از جمله تکرار در قید، تکرار در نام‌گذاری، تکرار در انفعال خودساخته و نظارت آن روبرو می‌شود: «اگر آخر نامام نویسم اُگان اُگان منظورم را بهم، اینگونه خداانداز» (آئوی، جامبیلی جامبیلی، مجموعه ساخته، ۱۳۸۴: ۱۵). از بسیاری از زنان، جیشان جیشان، می‌کنم (الهام: ۱۶). همچنین، «بوش بوش، بارداره، بچه‌ها به سر، رزبا زیبا»، «استی، استی» و... نمونه‌هایی دیگری از تکرار است که در جای داستان مشاهده می‌شود.

- استفاده از اُگان و اصطلاحات کوچ‌بازاری مانند جیش خربکی، دروغکی، راستی، پخشکی، شَر، و... جیش که گاهی به دشمن و ناسازگاری نیز می‌انجامد مانند نظرات، تهدیده، کُل بُخ و به این سارا دیده می‌شود. به‌طوری که در مقایسه با زبان عربی و ترکی است، زبان‌های سدان در دو جنگ این نوعی اجتناب و اُگان دارای ساختار و آگاهی خشن‌تر و غیرمکثف‌تری است. رافیت سارا بدهی و سیلیه بالا به شکل غیره، را به زبان چشم بخشن سخن گویده تا او بپیشه تا نکرد. برای همین تأثیراتی بیشتر است که او زبان غولی را به‌کار می‌برد. غول هم مانند جذاب یک مره است و سارا برای کسب اعتماد به نفس بیشتر و نشان‌دادن برتری موقعیت‌اش زبان خود را به زبان مردانه نشان می‌دهد.

- بعیدی زبان شناسان اجتماعی، زبان از ساخته‌های مؤثرانه تری هستند که به مورد می‌شود. استفاده می‌کند بر اساس تعقیبات سیاسی که در این زمینه صورت گرفته، زنان، گونه زبانی می‌شود در انتخاب نموده و از ساخته‌های زبانی «بهتر» یا «صحیح‌تر» به‌طور کلی بیشتر استفاده می‌کند. یکی از علل این امر را شاید پروانه‌های اجتماعی و فرهنگی ای دانست که بر روی زنان بیشتر است؛ همچنین، زنان، باتوجه به نقش مادری ای و انتقال دهنده در زبان سخن در انسان، نسبت به رفتار زبانی خود حساس ترند (مردم‌شناسی، ۱۳۶۸: ۱۴۹). با وجود این، در زبان سارا چنین و یکی از وجود ندارد و این با منظور فرار از موقعیت‌های انسان به همان‌سانسازی با مردان برداخته، از رفتار زبانی ماندای استفاده کرده است.

- در مقابل زبان سارا، توجه به زبان بزاده پذیر دیگر نیز آموزشده است. جواد به زبان خاصی حرف می‌زند که مادر به آن «زبان لاتین» می‌گوید. این مره است و از این روی خود را ملزم به استفاده از هنجارهای زبانی نمی‌داشده و با توجه به موقعیت فردیت‌شان که
تحلیل جامعه‌شناسی جنسیت در داستان «نامه‌های به آفق‌آوره»

نسبت به خواننده‌ها دارد و همچنین سکوت تابیدن، خواننده، به خود اجازه می‌دهد این
گونه سخن بگوید: «من‌ها با یکدی بتان یکدی چه‌کامر آتا جوگاه‌ا تابویی آتا جوگاه‌ا خیلی خفنی
آتا جوگاه‌ا»(بوسینی، 1384: 39).

تانین معناد است مردان در این کسب پایگاه اجتماعی در صحبت شرکت می‌کنند
(از این روست که به انوع گفتارهای رقابی مانند پر دادن، توهین صریح، لطیفه‌گویی و
تابید اخبار ورشی رو می‌آورند). حال آنکه زنان برای ایجاد ارتباط و افزایش نزدیکی
در صحبت شرکت می‌کنند (از این روست که غیبت یک گردی را ترجیح می‌دهند نا تضاد را
به حداقل برسانند). (پس رستم جریبی 1381: 29). این‌گونه الفاموشا را به‌خوبی
متنون در زبان جواد و سارا مشاهده کنیم. سارا برای علیه بکر بر ترس می‌کوشد با اعمال
ترس ارتباط برقرار کند و این کار را از راه زبان و کلام انجام می‌دهد، اما سخت‌تان جواد
بیشتر سلطه‌جویانه و تحریک‌کننده است: «جواد گفت: این دختر یکی یکدی این شما خودش
را لو می‌کند، کایوس ماپوس چه چرت و پریست؟»(بوسینی، 1384: 21)

3-4- از گویه‌های رفتاری
خواننده، به عنوان نخستین عام جامعه‌بی‌طرفی، نقش مؤثری در درونی سازی تفاوت‌های
جنسبی در کودکان دارد. آنان، خیلی زود در می‌آیند که جنسیت معیار مهمی در رفتار
آدمیان محصول می‌شود؛ معایری که ارزش‌های اجتماعی و محترم‌ را بر رفتارها مساوی
می‌کند، در مراحل بعد، این وظیفه را کریز عوامل جامعه‌بی‌طرفی به‌عهد گرفته و در روح
و جان فرد تثبیت می‌کند.

در داستان مورد بحث، سارا از پرادری جواد به شدت می‌ترسد. جواد، هم‌انگیز
سن و هم از نظر امیتاتوری اجتماعی، بر سارا پردری دارد. او نماینده و یا تجسم
هنگرهای اجتماعی است: هنگرهایی که مرسال‌الاناس است و خواهان نظارت و کنترل
بر رفتار. ساراست. وی سارا را کمک می‌زند و به‌شدت مراقب است و با ادبی
مراهودای نداشته باشد. این‌ها، همگی، امیتازی وی است که جامعه به او داده است. ادم
وقتی وی باید مثل جوان که خ درد در جایی که ایوا می‌زند یا چه ریس می‌کوید
حق بازی کردن با پسرها را نداری» (همان: 20-22). وقتی جوان ابيکش به می‌زن و زور می‌گوید
باید کایوس ماپوس» (همان: 21). همان‌طور که در کتابی به‌پینه کمپه یا جوان حرف
نمی‌زنم تو هم یک یکشه دید برای آقا غوله از من حرف نزن. چون آقا غوله خشن‌هایی می‌شود و تو را

کنک می‌زند. جواد هم حس‌دوشیش گل می‌کند و باز نام‌های سر پیاده می‌کند (همان: ۲۷).

کنک می‌زند نتیجه‌گیری‌های اقانوگه که به آقانوگه دروغگو می‌گوید گامبلو گامبلو یعنی دوست دارم... به جواد هم از همین حرفن‌های دروغگو یار نا را یافته آقانوگه خر گرم و نشش را از سرم کم کن. آخر جواد هم حرفن آدم را می‌نپذیرد. اصلاً گفته خر است و غیر از خر، هیچکی گوش نمی‌دهد (همان: ۲۸).

جواد بسیار بد سی و دیری اور است: حتی هنگامی که سارا را نزد پرشک می‌برند و
پرشک به پدر و مادرش می‌گوید که دچار کابوس شده، باز هم جواد قبول نمی‌کند.
گویی او از دنبای دیگری است که درک دنبای سارا و باور کردن ترس‌های او برایش
ناممکن است. «جواد گفت: این دختری که پدیده شما خوشدش را ناگهان می‌کند، کابوس
مانده چه چرخ و پرنس است؟» (همان: ۲۱).

با توجه به مدل‌سازی خانواده ایستی ایرانی، برادر غیرمتعاقب، مورد اعتراض
افراد خانواده قرار نمی‌گیرد و خانواده رفتارهای او را طبیعی می‌داند. وقتی فقط از طرف
سارا و آن‌ها در نام‌های که به غول خیالی‌اش می‌نویسد مورد اعتراض قرار می‌گیرد.
جلب آنکه، در واقعیت نیز واقعیت سارا با پنهان‌کاری و نام‌نگاری، دور از حضور برادر
نمونه پدیدا می‌کند. مادر، با اینکه مهربان و نگران وضعیت سارا و کابوس هم‌وهم است,
هیچ کاری برای کابوس بی‌داده یا دخترش که برادر اوست انجام نمی‌دهد. سرانجام، سارا
خود به صرفه می‌افتد که با کابوس بی‌داده اش نیز مانند کابوس شانه‌اش رفتار کند تا
شدیدت‌براندی آزارهای برادر را دفع کند.

غولی که سارا از آن می‌پرسد، آقانوگه است هن نمی‌خواند. کاردانه‌ی ترسناکی که سارا
در کابوس‌های خود از آنها آزار می‌بیند، به وسیله غول می‌کشد غول. این بدان
می‌گوید که می‌دانست که سارا ویژه‌ی‌های دنبای واقعی مردسرال را به دنبای افسانه‌ای غول‌ها
انعکاس می‌بخشد. از نظر سارا، در آن دنبای افسانه‌ای نیز بازی این نمی‌خواند و
با همچنان برای چه غول‌ها قسم می‌گوید و اموز خشونت‌آمیز چون شکار و ترس‌زاده
بچه‌ها کار آقانوگه است. چنین باوری در ذهن سارا می‌باشد. غول، با وجود غول‌پردازگی
واگر خوشایدن سارا نباید ماهمی ترس و کابوس او هم نیست.
4- موضع‌ها

از نظر بلوم، موضع‌ها، دربرگیرنده زمان و مکان مشخصی برای رفتار افراد است و شناسایی موضع‌ها با وضعیت شرط رفتار اجتماعی است؛ بیان پیش از آنکه موضع‌ها برای فرد مختار جلوه کند، و یا باید آنرا بشناسد (ادیبی و انصاری، 1389:181). در نظریه‌ی کشن متقابل نمادین، این موضع‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار افراد دارند.

برنامه‌ای افراد، با قرارگرفتن در موضع‌ها گوناگون، رفتار متفاوتی در پیش می‌گیرند.

این دستان موضع‌دختری‌های را نشان می‌دهد که دچار کابوس شده و نمی‌توانند شب‌ها راحت بخوابند. وضعیت دختر به‌گونه‌ای است که نه‌یادش‌ها و در خواب‌های بی‌روزه و در بیداری نیز دچار کابوس اند. بنابراین، می‌توان گفت راکابوس شبانه و پربرادش جواد را کابوس روزانه او دانست. جواد سارا را آزار می‌دهد و بسیار سختی گیرنده و بیدن‌نژاد او رفتار می‌کند و در مقام یک برادر و یا در تنگه‌ها، آزارندان‌های قرار می‌دهد. چرگی عامل ترس از یک‌سو و ناوانی سارا از سوی دیگر، باعث می‌شود که ایجاد تحقیق بپردازد با عامل ترس خود آشیک کند؛ بنابراین گفته می‌شود. سارا، بیشتر بیشتر، بر کابوس شبانه‌ای خود غله می‌کند، ولی آیا غله بر کابوس روزانه نیز به همین شیوه امکان‌پذیر است؟ آیا سارا می‌تواند از راه‌هایی که در این دستان بسته شده، آشکارا در اینباره صدایی نماید. اما با توجه به تجربه‌ی موجود سارا در غله بر غله می‌توان حدس زد که به عنوان یک سازنده سارا یک سلطه جواد نیز غله می‌کند. بین گولان، جواد نیز غله می‌کند. این دانسته‌ها یک راز دیگری برای تعریف کنن. ولی این را نه جواد و نه آقا قائل نمی‌کند. بنابراین به آقا قائل در روزگاری» گویم، کامل‌گویم (دوست دارم... به جواد هم از همین حرفهاهای دروغگوی برایم ناوش بهم مثل آقا قائل خر کنم و مرش را از میهم بشم؟) (پیتفر، 1382: 38).

ولی زبان جواد، زبان غولی نبست. زبان چیز است، مانندی به آن می‌گویند زبان ناگهان...

ولی نامهٔ تفنن به زبان لاتین خیلی سخت است... با این حال اگر تفنن به می‌فرستم تو همو به زبان لاتین این را می‌شنود! اما آقا غوله چرا جواد این تقدر از من برگزیده است؟،» (همنایی: 139).اگر زبان می‌گویم به زبان اینم اید. اگر از نامه‌هایم ترسیده، آیا؟ این روزها درم برای جواد نامه می‌نویسم. پس نامه‌ای لاتین نشئرا بهبهانه‌ای جواد را توی صندوق پست نمی‌اندازم. چون آن وقت به نشانی خانه‌ای خودمان...
می آید و همچنین لو می روید. تازه جواد هم می فهمد که من نامه‌ها را نوشته‌ام. به همین دلیل
می خواهم نامه‌هاي او را به نشانی مدرسه‌اش بفرستم.» (همان: 44). اما می توان دانست، چیزی که گوش‌هاي دیگر نيز تفسیر کرده: چيگرگ سارا بر سلطه غول، به شکلی انفعالی يعنی با تسلیم شدن وي به غول امکان پذير می شود. سارا تمامی تلاشش
را صرف این می کند که رضايت آقاغوله را جلب کند و با گفتگوهای واکنش‌زا بیان کنند او یا پرهانگرد و از این رو گفتاری کامل‌اً احتیاط‌آمیز و انعطاف‌پذیر را
اختيار می کند. جاپل این جاست که عمده فعالیت سارا برای دستیابی به این هدف
شبهی فربد دهنده‌گي است که به ضرورت آقاغوله را دوست داشته باشد و به او ابراز
کند. به عبارت دیگر، غول نگیری در رفتار خود نمی دهد، بلکه این ساراست که کم کم از
ترشش کامته می شود. از طرف دیگر، ارتباط آنها دوطرفه نیست و این فقط ساراست
که ارتباط با غول را می جوید. هیچدام از این دو کنش گویاى مقاومت و با غله‌ای
سنگین، فعالیت و جسورانه نیست، بلکه بر جزی گویاى کشی متغیرانه است که از سر
استیصال انجام می شود. به همین دلیل، سارا احتمالاً نمی تواند در دنیای واقعی بر سطحی
چواد قاتل آید.

البته، این امتیاز را یاد بسارا داد که وی به‌طور کامل از نوع زنان منفعل نیست،
زیرا تسلیم ترس خود وی شود و برای چهر شدن برآن دست به عمل می زند. این رفتار،
او را یک قدم از انفعال محض جلوتر می یابد. برخلاف این تصویر در جامعیت سنتی مان
که زنان برای رهايي از گفتارى و خطر كرای جز انتظار کشيدن ندارند و جسم به راه
پرمتеж قهرمان (آنهم از جنس مره) هستند، بالاخره، سارا برای حلق مشکلات صادره
اندیشی می کند و دست به عمل می زند. یا در کبوس‌های شیائوش نیز انتظار آمدن یک
شاهزاده را نمی کشد که او را از دست غول نجات دهد، بلکه در پس ذرهای بر این باور
است که کسی جز خودش نمی تواند به موقعیت بیدی که در آن قرار گرفته است پایان
دهد.

5-5. نمادها

اجتماع، به‌واسطه نمادهای معنی‌دار مدیریت می‌شود. این نمادها، بدان علت که برای
همگان معنایی یکسانی دارند، موجود و اکتشف‌های مشابه در افراد می‌شوند; البته، بر اساس
نظریه مید، اگر نمادهای مشترک در بین کنشگران معنایی یکسانی نداشتند، به‌همن

انسان پیوسته خود را با موقعیت موجود تطبیق می‌دهد و به‌دين ترتیب معنای یک نماد خاص را در می‌یابد (ریتز، 1377: 237). با این حال، این فرد رتارهای تاموقیها انسان انسانی و پیش‌فرض است که روابط اجتماعی متقابل به نماد‌ها و بايد معناي پنهان در آن نمادها را كشف كرده.

یکي از عوامل مهمي که ادبیات و هنر بهمگان تأثیرگذاری بيشتر بر مخاطبان از آن استفاده می‌كند، همین نمادهاست که اگر به گذاشته شود، می‌توانند تا قصه کنند و به انگار آنان تأثیر بگذارد. البته، همین گونه که ممکن است نمادها به‌شکلی كه در ذهن مخاطبان وجود داشته باشد، نويسندگان و هنرمندان نيز مي‌توانند ناگاهانه نمادها را در آثار خود بهكار بردند.

در داستان مورد بحث، می‌توان غول را نماد جواد، برادر سارا، دانست که به صورت پاپیش یافته و اسفندآمی شده در ناخودآگاه سارا تبلور یافته است. به عبارت دیگر، غول در مقام موجودی ترسناک، نماد جواد، به عنوان فردی مذكر، است؛ و جای اين که غول نيز مذكر است، سارا تمامى و پيگم هياء برادر را در غول انکاس مي دهد. تا اين تاکتی، که در دنیا واقعى، نمی تواند با وی گفت و گو كند، ولي در دنیاي خيالي اين گفت و گو امكاني إذير است؛ از اين رو، مي توان گفت كه حتى اين گفت و گو و تعامل با غول نيز نماد سرخوردگي سارا در برقراری ارتباطى متقابل و معقول با برادر است.

چگونه نماد فرهنگ مردمسالي است، با دو سوسیتی رفتاری سلبي و ايجابي، سوسیتی سلبي رفتار او، محدوديت‌ها و امر و نه‌هاي ناموجودي است که بر سارا استقلال می‌كند و سوسیتی ايجابي رفتار وی نيز رفتارها و گفتارهاي خودروخوانى اوست كه نگاه تسينگ نظران و سرکوب گرناش را نشان مي‌دهد. البته، اين هر دو سوسیتی رفتارا نمی توان و ناياب از هم تفکیك كرد، بلکه بيدان آنها را مکمل و واشيته كه یکدیگر دانست كه در روند داستان، هر سوسیتی سوسیتی دیگر را بازتوهید می‌كند.

دکتر، نماد روشنفکري است که می‌خواهد سارا را از چگونگي بيماري مردمسالي نجات دهد، اما اين نيز خود مرد است و مشکل سارا را كابوس قلمداد مي‌كند؛ به گونا گونا واقع و چینارانين عدم تشخيص درست بيماري از عده‌های كاربردي آيد.

مادر سارا نماد آينده محتوم ساراست. رویا (کابوس، خواب)، نماد پناهگاهي است غیرواقعی و از سر استیصال؛ پناهگاهي كه رهایي نمي‌بخشد، بلکه فريب رهایي مي‌دهد.
نماد دون کشی وار با شمشیر چوبی به جنگ آسیاب‌های بادی رفتار است. به همین
دلیل هم سارا از نبرد با فرهنگ مدرنسرای پیروز برون نمی‌آید و این نبرد در نهایت به
سازگاری ای از سراجار می‌انجامد. خود سارا نامد زن ایرانی است.

بحث و نتیجه‌گیری

پایه‌های این پژوهش را می‌توان به‌طور خلاصه بدین شرح بیان نمود:

سازگاری این سرکوب‌گرانه‌ای برادرش دادر، دچار ترس شده است. او برای گلبه بر این کابوس‌ها تمامی تلاش خود را به‌کار می‌برد. گفت و گوی آن جمله‌ای مهم‌ترین امکاناتی است که سارا بدلیل مطروحی
آن استفاده می‌کند. همان‌گونه که در ادبیات کهن فارسی دیده‌ایم - که زنان برای مطروحی
کردن خود و پیمان‌هاشانشان از آن دیگری که مردانه استفاده می‌کنند - در این داستان
نیز سارا مدتی مردانه است. سارا نامد زن در جامعه است. ایرانی است که در
مقامی فردیست قرار دارد و مجرب است با توجه به اگرگاهی سنتی همین جامعه رفنار
کند. اما در حالی فشار خردکندگانی که فرهنگ مدرنسرای جامعه است. ایرانی بر روی وارد
می‌آورد توان خوشی را از دست داده و با تمامی وجود به آن اعتراض دارد.

سازگاری این سرکوب‌گرانه‌ای برادرش دادر به طوری که این ویژگی در دهه و ضمیمه ای
چنان ریشه دارد که به دنبال رؤیاها و خواب‌ها و خیابان‌های به‌رالی است. تمامی
تلاش سارا در جهت گلبه بر ترس در دنبال خیالی، ناشی از گلبه بر مدرنسرایی در
دنبال واقع است. اما او اگرچه موفق می‌شود در دنبال خیالی آن بر ترس خود را
کنی. در دنبال واقعی قادر به چرخه شدن بر مدرنسرایی نیست. برای گلبه هم چنان و
پیروزمندانه بر جواد، که نامد مدرنسرایی در دنبال واقعی است، باید ساختار اجتماعی
فرهنگی جامعه تغییر کند و با امکاناتی که سارا در اختیار دارد بله این چشم‌انداز
چنین روشن بقایی نمی‌رسد. به همین دلیل است که سارا از دنبال رفته‌ای که همیشه تلاشش را
به کار می‌گیرد - حتی دست به فریب‌دان و اظهار علاقه‌ی کاذب می‌زند - در نهایت
این ایسته که باید خود را تغییر دهد. در اینجا باید با گلبه بر ترس هایش با واقعیت
صرفیت جامعه مدرنسرای زمان‌های سازگاری شود.
پاداش‌ها

1. برای این منظور می‌توان به دو اوین شعری زن مانند مهستی گنجوی، زاله قانومقامی و
پروری اعتیضی مراجعه نمود و اشعار آنان را از جمله استععار استفاده شده برعی عелоی,
اوامر و نواهی از منسند قدرت و دیگر یزدی‌ها زبانی و مقامی مورد تأمین قرار داد.

فهرست منابع

ادیبی، حسین و عبدالمعبد انصاری. (1387). نظرهای جامعه‌شناسی. تهران: جامعه,
پیم، ویلیام. (1381). نیروز، منتشر و قدست در ایران. ترجمه رویا دوقدار مقدم,
تهران: نشر کتاب,
پاکروش، کبیر. (1383). هریت زنان: بررسی شکوه حاکم بر زنانهای متنهب نزدیک زنان
نسبت به هریت زنان بعد از دهه هفتاد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا,
پاک‌نداز جاوری، مریم. (1381). فراصتی و فردوسی در زبان. تهران: نشر گاو
پورانی، فریده و معین ذکارت. (1389). بررسی نقش‌های جنسیتی در خانه,
سوسکه، مطالعات ادبیات کودک، نشر 1، شماره‌ی 3 صص 27-42.
توسینی، غلامعباس. (1374). نظرهای جامعه‌شناسی. تهران: نیمه,
رادرسون، بان. (1372). درآمدهای بر جامعه: با تأکید بر نظرهای کارشناسی، ستیر و
کنن متقابل نمادی. مشهد: آستان قدس رضوی,
رضوی، رویا. (1379). «تحلیل محتمل»، پژوهش، نشر 1، شماره‌ی 1، بهار و تابستان,
مصص 137-156.
ریفی‌نور، فرامرز. (1382). تکنیک‌های خاص تحقیق در علم اجتماعی. تهران: شرکت,
سهامی انتشار,
ربیزی، جرج. (1374). نظرهای جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه‌ی محسن ثلثی,
تهران: علمی,
سرسی، مهید و مهیدهغی‌پور. (1384). بررسی پژوهش جنسیت در نمايشنامه‌های
معمار امریکایی با تأکید بر نمايشنامه ای امپر برای عشق اثر وامول شیار,
راجازه، هکرهای زیبا، شماره‌ی 77 صص 112-167.
سیری، خدیجه و سارا ایرمان. (1388). جامعه‌شناسی جنسیت. تهران: جامعه‌شناسی,
فرکلگ، نورمن. (1379). تحلیل انفعالی کُفتامان. گروه مترجمان. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. مرکز تحقیقات رسانه‌ها.
فروحی، محمود. (1380). «ادیبیات داستانی در دانشگاه». کتاب‌های ادبیات و فلسفه، شماره 49 صص 4-5.
گریت، استفن. (1380). جامعه‌شناسی جنسیت. ترجمهٔ کتاب‌یون پیاپی، تهران: دیگر.
مدرسی، یحیی. (1380). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
منبیک، فلیپ. (1380). اپوریک کافمن و جامعه‌شناسی نوین. ترجمهٔ ثريا کامکار، ناش: مترجم.
ویلمزد، وحید. (1387). «جنسیت در آثار رمان‌نویسان زن ایرانی» تقدیم ادبی، شماره 1 صص 191-222.
هدایت، ندا. (1384). «تأثیر جنسیت بر نحوهٔ بیان نقاشی (پژوهش در حوزه‌ی جامعه‌شناسی زبان)». پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره 4 صص 17-40.
پورسفینی، محمود. (1384). نامه‌هایی به آفاغیه. تهران: کتاب‌چرخ و فلکت.